

فصلنامه تاریخ اسلام

سال چهارم، تابستان ۱۳۸۲، شماره مسلسل ۱۴، ص ۱۰۱-۱۱۸

منابع مالی دولت فاطمیان

محمود خواجه میرزا*

بدون تردید، از عوامل مؤثر در بقای دولت‌ها (اعم از دینی و غیر دینی)، برخورداری از اقتصاد سالم است. دولت فاطمیان با استقرار در مصر و شام برای هزینه‌های تبلیغاتی داعیان اسماعیلی، مخارج گزاف دربار و رقابت با دولت عباسی و امویان اندلس، افزون بر بهره‌گیری از منابع مرسوم و مشروع گذشته، هم‌چون خمس، زکات، جزیه، موقوفات و...، با ابتکار عمل، از منابع جدیدی نظیر احتکار، نجوا، رباع و... نیز بهره‌گرفت و توانست تا حدود زیادی بر قوام و دوام خود در بستر تاریخ اسلام بیفزاید. مقاله‌ی حاضر به بررسی منابع گوناگون درآمد در دولت فاطمیان می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: فاطمیان، مصر، خراج، تجارت، رباع.

مصر قبل از فاطمیان

کشور باستانی مصر در شمال شرقی آفریقا قرار دارد و شبه جزیره‌ی سینا در جنوب غربی آسیا جزء آن است. رود نیل که از صحرا می‌گذرد با طغیان سالانه‌ی خود و رسوب‌هایی که باقی می‌گذارد جایگاه مهمی در وضعیت اقتصادی مصر در طول تاریخ این کشور داشته است. وضعیت خراج مصر در عصر ملوک قبطی چهار قسم بوده است: قسمتی برای پادشاه، قسمتی مربوط به سپاهیان، سهمی مربوط به عمران اراضی، ساختن پل، کانال و... و باقی مانده‌ی آن برای حوادث منظور می‌شده است.^۱

در دوره‌ی تسلط رومی‌ها مصر انبار غله‌ی روم گردید. شش سال قبل از ظهور اسلام خسرو پرویز، پادشاه ساسانی، مصر را گرفت (۶۱۶ م) و شش سال بعد هراکلیوس (هرقل)، امپراطور بیزانس، آن را پس گرفت و در همین سال نامه‌ای از پیامبر(ص) دریافت نمود. بعد از استیلای مسلمین بر تمامی سرزمین شام، فتح مصر برای تثبیت فتوحات شام و فلسطین ضروری به نظر می‌رسید؛ لذا بعد از موافقت خلیفه (عمر)، عمروعاص مصر را فتح نمود. در طی دوران امویان، حدود سی نفر والی برای مصر تعیین گردید و در طول این زمان مبلغی مازاد بر مخارج سالانه‌ی مصر به دارالحکومه فرستاده می‌شد؛ تا این‌که دوره‌ی عباسیان فرا رسید و اینان هم تا ۱۲۰ سال والیان متعددی را برای سرزمین مصر تعیین نمودند و همه ساله خراج لازم را اخذ می‌کردند.

در سال ۲۵۴ قمری، احمدبن طولون، از ممالیک ترک، به سبب لیاقت و شایستگی، ولایت مصر را تحویل گرفت. او با استفاده از وضعیت آشفته‌ی خلافت عباسی (نفوذ ترکان - تشکیل دولت‌های نیمه مستقل طاهریان، صفاریان، علویان طبرستان و...) دعوی استقلال نمود و بعد از مصر، شام را هم در سال ۲۶۴ قمری ضمیمه‌ی متصرفات خود نمود.

احمدبن طولون به جز اقدامات عمرانی (مثل: ساختن جامع طولون، احداث بیمارستانی با

هزینه‌ی شصت هزار دینار، کشیدن حصار بر دور دژ مهم الجزیره با هزینه‌ی هشتاد هزار دینار، رشد اقتصادی مصر را تا حد بسیار زیادی بالا برد و در مدت چهار سال مبلغ ۲/۲۰۰/۰۰۰ دینار برای دستگاه خلافت عباسی فرستاد که نسبت به گذشته از رشد چشم‌گیری برخوردار بود.^۲

ظهور فاطمیان

دولت فاطمیان، که مرحله‌ی آغازین تکوین آن عموماً در شمال آفریقا (آفریقه و مغرب) در سال ۲۹۷ قمری بود، قسمتی از دوران حدود ۶۰ ساله‌ی خود را در آن جا عمدتاً به جنگ و درگیری با مخالفان گذراند و پاره‌ای از آن را به تحکیم قدرت و بقای خود سپری نمود لذا فرصتی برای پی‌ریزی نظام مدون اقتصادی نداشت. آنان احتمالاً اطلاعی از این امور نداشتند، و از این رو بعدها بیش‌تر سازمان مالی و اداری خود را از عباسیان اقتباس نمودند، اگر چه بعضاً تجدید نظر و اصلاحاتی در این امور صورت دادند.^۳ دولت‌مردان فاطمی، با آگاهی از اوضاع آشفته‌ی مصر، بعد از مرگ کافور اخشیدی، جوهر صقلی (سیسیلی) سردار معروف خود را مأمور فتح مصر نمودند و او در ۳۵۸ قمری وارد مصر شد و چهار سال بعد، در ۳۶۲ قمری، با ورود المعز فاطمی به مصر، دولت فاطمیان در مصر ظهور یافت.

فاطمیان با ورودشان به مصر دست به تحولاتی زدند که بیش‌تر مدیون وزرای کاردانی مثل یعقوب بن کلس، بدرالجمالی، یازوری، عسلوج بن حسن و... بود.^۴

منابع درآمد در دولت فاطمیان

۱. فلاح و زراعت

رود نیل، با طولی معادل ۶۰۰۰ کیلومتر، طولانی‌ترین رود دنیا، از مصر می‌گذرد و نقش

عمده‌ای را در وضعیت اقتصادی مصر ایجاد نمود تا جایی که می‌توان گفت شاه‌رگ اقتصاد مصر است. طغیان آب نیل که در بعضی کتب و منابع مهم تاریخی، هم‌چون *نجوم الزاهره* و *تاریخ ذهبی*، به طور مرتب در وقایع هر سال ذکر می‌گردد، مؤید این مطلب است که تمامی دول حاکم در مصر و از جمله فاطمیان به این امر توجه نشان دادند و وسایل لازم را برای دستیابی به اهداف اقتصادی از طریق کشاورزی فراهم نمودند.^۵

میزان طغیان رود نیل زمانی که به حداکثر می‌رسید ۱۸ ذراع بود و اکثر مناطق اطراف رود نیل به زیر آب می‌رفت و کشاورزی مختل می‌شد و این امر تبعاتی در پی داشت، از جمله از بین رفتن محصولات به صورت آبی و کمبود علوفه برای دام‌ها به صورت آبی بود.^۶ مصریان برای جلوگیری از این حالت در اطراف رود نیل آب‌گیرهایی را احداث می‌کردند که در هنگام ارتفاع آب نیل این مشکل را تا حدی بر طرف می‌کرد و لذا همواره از این آب‌گیرها و کانال‌ها مراقبت می‌کردند و در طول سال چندین بار لایروبی می‌نمودند.^۷

زمین‌هایی را که به‌طور کامل زیر آب می‌رفت بیاض می‌گفتند و محصولاتی در آن کشت می‌شد که تا هنگام درو به آبیاری نیاز نداشت؛ هم‌چنین از طریق کانال‌ها و چاه‌ها محصولات زمستانی به دست می‌آمد. معمولاً نوع دوم، عایدات بیش‌تری داشت.^۸ بعضاً کشاورزان آب را با سطل‌ها و وسایل خاصی که خود طراحی می‌کردند به زمین‌ها می‌رساندند.^۹

از مهم‌ترین محصولات زمستانی، گندم، شبدر، کتان، و مهم‌ترین محصولات تابستانی، انگور، هلو، نارنج، گلابی، لیموشیرین، خربزه، برنج و نیشکر بود.^{۱۰}

در مواقع کم شدن آب رود نیل آبادی‌های اطراف از بین می‌رفت، غذا و آذوقه‌ی مردم کم‌یاب می‌شد. بدرالجمالی، وزیر کاردان دولت فاطمی، برای جلوگیری از این حالت حفر کانال‌ها را سرعت بخشید و این امر درآمدهای مالی دولت فاطمی را افزایش داد، تا جایی که مقریزی اظهار می‌دارد که با روی کار آمدن بدرالجمالی درآمد (خراج) سیصد هزار دینار افزایش

یافت.^{۱۱}

۲. تجارت و بازرگانی

در اوایل دولت فاطمیان، بغداد مرکز تجاری دنیای اسلام محسوب می‌شد و این امر تأثیرات نامطلوبی بر اقتصاد و تجارت و بازرگانی مصر داشت. با استیلای کامل فاطمیان و مسلط شدن بر اوضاع، حجم تجاری ایشان در اواخر قرن چهارم قمری رشد بسیاری نمود و قدرت اقتصادی عراق به دلیل منازعاتی که در خلافت عباسی در شرق صورت می‌گرفت عملاً کاهش یافت و تعدادی از تجار به دلیل ناامنی در بنادر عراق و اوضاع آشفته‌ی آن به مصر گریختند و بیش‌تر آنها در فسطاط (مصر قدیم) به فعالیت پرداختند و این امر برای فاطمیان بسیار مسرت‌بخش بود.

کشتی‌های حامل بار، کالای خود را در مصر تخلیه می‌کردند و از طرفی فاطمیان بر راه‌های تجاری هند تا حدود زیادی مسلط شده بودند. شاید این امر به دلیل تبلیغات دعوت اسماعیلی آنان بود که در اکثر نقاط صورت می‌دادند و هم‌زمان روابط تجاری خود را با افریقایه، مغرب و جزیره‌ی سیسیل گسترش بخشیدند و بدین ترتیب قدرت تجاری فاطمیان به کشورهای اطراف و حاشیه‌ی مدیترانه کشیده شد و راهی را هم به سوی هند برای تجارت کالاهای خود گشودند.^{۱۲}

از جمله مواردی که به فاطمیان در امر اقتصاد تجاری قوت بخشید مقدار قابل توجهی طلا بود که توسط پانصد شتر از افریقایه هنگام ترک آن با خود همراه آورده بودند و بعداً به دستور معز، خلیفه‌ی فاطمی، به شکل سنگ آسیاب به شمش تبدیل گردید. هم‌چنین فاطمیان بر معادن جنوب مصر که مشهور به وادی‌العلاقی بود و قبور فراعنه‌ی مصر در آن بود دست یافتند و طلای فراوانی از آن استخراج نمودند.^{۱۳}

فاطمیان اصلاحات اقتصادی خود را در مصر با بالا بردن ارزش دینار شروع نمودند. وزن دینار فاطمی ۴ تا ۴/۶ گرم بود و بالاترین عیار را نسبت به تمامی بلاد اسلامی داشت.^{۱۴}

۳. صنعت

تجارتِ رو به رشد فاطمیان و کسب بازار بین‌المللی در امر بازرگانی سبب ایجاد صنایع مختلف در مصر گردید. ناصر خسرو این امر را در سفرنامه‌ی خود ذکر نموده که در میان کشورهای گوناگونی که او بدانها سفر نمود، مصر در آسایش و رفاه و آثار هنری و صنایع سرآمد بوده است.^{۱۵}

قبطیان حاضر در مصر به دلیل حضور سابقه‌دار خود در عرصه‌ی حیات این کشور، پایه‌ی اصلی صنایع محسوب می‌شدند و فاطمیان با سیاست تسامح و تساهل نسبت به ایشان توانستند از قدرت خلاقه‌ی قبطیان بهره بگیرند و تولیدات صنعتی خود را که عمدتاً صنایع کهن را در بر می‌گرفت افزایش دهند. شکوفایی امور صنعتی سبب جذب بسیاری از علاقه‌مندان به این امر گردید، تا جایی که فاطمیان برای اهداف گسترش صنعت، از اسرای جنگی سود جستند.^{۱۶}

۴. خراج

این بخش از منابع درآمد مربوط به صاحبان غیر مسلمان اراضی بود و معیار تعیین آن، نوع زمین و محصولات کشاورزی بود و زمانی صورت می‌گرفت که آب رود نیل ۱۶ ذراع بالا می‌آمد.^{۱۷}

یکی از طرق اخذ خراج، «قباله» بود؛ به این صورت که زمینی را در حضور جمع به عنوان قباله به مدت چهار سال می‌گرفتند و پول آن را به صورت اقساط پرداخت می‌کردند و اگر در

طول این مدت مقداری از پول خود را خرج تعمیر و حفر کانال می نمودند، از مبلغ کل که بایستی پرداخت می شد کسر می کردند.^{۱۸}

دولت فاطمی زمین های مربوط به بیت المال را به صورت اجاره در اختیار کشاورزان قرار می داد و به صورت مزارعه عمل می نمود و در صورت مرغوبیت زمین ها این کار به شکل مزایده واگذار می گردید.^{۱۹}

واگذاری اقطاع در دولت فاطمی به شیوه های گوناگون بود. گاهی زمین های دولتی به وزیران و امیران سپاه واگذار و در قبال آن وجهی دریافت می شد که آن را «اقطاع الاستغلال» می گفتند. گاهی کسی که اقطاع می گرفت فقط از بعضی عایدات آن بهره مند می شد که به آن «اقطاع ارتفاع» می گفتند. و اگر اراضی را دولت به نزدیکان خود واگذار می کرد «اقطاع تملیک» گفته می شد.^{۲۰}

گروهی به نام ادلاء (راه نمایان) دفاتری به نام «سجلات التحصیر» داشتند که در آن زمین های موجود در مناطق مختلف را با نوع محصول و مقدار مساحت آن ثبت می کردند و افراد صاحب اراضی می توانستند مبلغ تعیین شده را، که می بایست به دولت پرداخت نمایند، در طی ۳ یا ۸ قسط (نوبت) بپردازند و ضمناً پولی را به عنوان حق الزحمه در اختیار مساحان قرار می دادند.^{۲۱}

۵. جزیه (جالیه)

بر مسیحیان و یهودیان واجب بود که مبلغی را به عنوان جزیه، که آن را جالیه هم می نامیدند، به دولت پرداخت نمایند و در صورت مسلمان شدن از پرداخت آن معاف می شدند. طبق قانون، فقط افراد جوان و آزاد و بالغ می بایست جالیه بپردازند و از افراد سالخورده و زنان و دیوانگان جزیه گرفته نمی شد. بر کودکان از ۹ سالگی جالیه واجب می گردید. در هر سال از

افراد متمول و ثروتمند ۴ و یک ششم دینار، از افراد متوسط ۲ دینار و دو قیراط، و از طبقه‌ی سوم ۱ و پنج هشتم دینار اخذ می‌شد.^{۲۲}

پرداخت جزیه با حلول سال قمری و معمولاً در اول محرم بود.^{۲۳} گروهی به نام حاشران (کارمند و مسئول)، جمع‌آوری آمار و اطلاعات را در مورد افراد به عهده داشتند و طبقه‌ی هر کدام را تعیین می‌کردند. مردگان و کسانی که از مصر خارج می‌شدند از دفتر اخذ جزیه حذف می‌شدند.^{۲۴}

۶. زکات

زکات از صدقاتی است که در اسلام به صاحبان انعام ثلاثه (گوسفند، گاو، شتر)، نقدین (طلا و نقره)، غلات اربعه (گندم، جو، خرما، کشمش) واجب می‌گردد.^{۲۵}

در عصر فاطمیان داعیان اسماعیلیه مالی را به نام فطره و نجوا می‌گرفتند و این حکم را به استناد آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی مجادله (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً) اعمال می‌کردند و مبلغ آن ۳ و یک سوم درهم بود و آن را در اختیار دولت قرار می‌دادند و در رونق اقتصادی دولت فاطمی بسیار حایز اهمیت بود.^{۲۶}

مستنصر خلیفه‌ی فاطمی در ۴۸۱ قمری طی فرمانی اعلام نمود که این صدقات بر هر مؤمنی واجب است و کسی که آن را ترک نماید، مثل این است که امری واجب همانند نماز و روزه و حج و جهاد را ترک کرده و این امر باعث می‌شود که بیت‌المال پر نگردد. بر امیرالمؤمنین واجب است نسبت به پرداخت آن تعهد گیرد تا اعمال صالحه‌ی شما را ارتقا بخشد و باقیات‌الصالحات را نصیب شما گرداند.

۷. رباع

به خانه‌هایی که بیش از یک خانوار در آن ساکن بودند رباع می‌گفتند و خانه‌ای که فقط یک خانوار در آن ساکن بود دار نام داشت.^{۲۷}

ناصر خسرو در سفرنامه خود می‌گوید:

در مصر هشت هزار خانه است که از آن سلطان است و آن را سلطان به اجاره داده است و

ماهانه کرایه می‌گیرد و مردم بر این رسم عادت داشته و پذیرفته‌اند.^{۲۸}

ربع‌ها (جمع رباع) در عصر فاطمیان دارای اهمیت بسیار بود به طوری که افرادی از طرف دولت، به عنوان متولی، مأمور جمع‌آوری کرایه‌ها بودند و بازرسانی تعیین شده بودند که در صورت خرابی رباع، آن را گزارش می‌کردند تا تعمیر نمایند.^{۲۹}

الأمیر خلیفه‌ی فاطمی در رمضان ۵۱۷ قمری منشوری صادر نمود، مبنی بر این که در ماه رمضان دریافت اجاره ربع‌ها بخشیده می‌شود. این منشور در جامع فسطاط نصب شد و مردم خلیفه را دعا نمودند.^{۳۰}

۸. خمس رومی

نوعی عوارض گمرکی بود که از بازرگانان امپراطوری روم شرقی (بیزانس) هنگام وارد کردن کالا به مصر گرفته می‌شد و آن را خمس یا خمس رومی می‌گفتند.^{۳۱}

مقریزی و قلقشندی آن را چنین توصیف کرده‌اند: آنچه از تجار رومی که به مرزهای میهن وارد می‌شوند اخذ می‌گردد و مقدار آن ۳۵٪ میزان کالایشان است و بعضی اوقات تا ۲۰٪ تنزل می‌کرد.^{۳۲} دولت فاطمی این مقررات را برای غیر مسلمین وضع نموده بود؛ در حالی که برای تجار مسلمان به این صورت عمل نمی‌شد و حتی کسانی که در ساختن کشتی و صنایع فعال بودند از تخفیف هم برخوردار می‌شدند، اگر چه بعضاً تجار غیر مسلمان عوارض گمرک را

نمی‌پرداختند.^{۳۳} نوع دیگری عوارض از بازرگانان رومی اخذ می‌شد که «رسوم‌التوفیر» نام داشت و عبارت بود از یک ششم یا یک هشتم دینار از کل میزان درآمد.^{۳۴} ابن جبیر می‌گوید:

در ۵۷۸ قمری متصدیان عوارض از وی و همراهانش عوارض طلب نمودند، بی‌آن‌که از وی در این مورد که چه نوع کالایی همراه اوست تحقیق نمایند؛ در صورتی که کالای همراه آنها توشه‌ی راه بود و قصد تجارت نداشتند.^{۳۵}

در کنار این‌گونه عوارض، دولت گاهی دست به احتکار اموال (کالا و اجناس) می‌زد؛ به این ترتیب که دولت هر ساله اجناسی به ارزش صد هزار دینار برای سلطان خریداری می‌نمود و به عنوان متجر نگهداری می‌کرد و چون کالا در بازار کم‌یاب می‌شد، دولت آنچه در انبار داشت بیرون می‌آورد و می‌فروخت. این رسم در عصر وزارت یازوری در ۴۴۲ قمری ملغی شد، ولی اجناسی مثل چوب و صابون و آهن و سرب و عسل که احتمال خرابی آن کم‌تر بود نگهداری می‌شد و بیش‌تر غلات مد نظر ایشان بود که نگهداری آن مشکل بود.^{۳۶}

۹. موقوفات

موقوفات یا «دیوان‌الاحباس» از مواردی بود که در تاریخ اسلام از صدر تا عصر فاطمیان مورد نظر بود و در تمامی حکومت‌ها اعمال می‌گردید. امر وقف ابتدا در ساختمان‌ها و ریح‌ها مرسوم بود، اما در ۳۱۸ قمری اولین بار فردی زمین و باغ‌های خود را وقف حرمین شریفین (مکه و مدینه) نمود.^{۳۷}

دولت فاطمی تشکیلات خاصی را برای امر وقف وضع نمود؛ به این صورت که در عصر معز (۳۶۳ق) طی فرمانی قرار شد که درآمدهای مالی حاصل از موقوفات را به بیت‌المال منتقل نمایند که این امر سود فراوانی برای دولت داشت.^{۳۸}

فاطمیان برای اداره و تعمیر مساجد، دادن حقوق خدام و مؤذنها، هزینه‌های جاری اماکن مذهبی دیگر و حمامها، آب انبارها، بیمارستانها و... زمینها و اماکنی را به عنوان وقف می‌دادند و حتی در ۴۰۳ قمری از طرف حاکم فاطمی هیئتی برای مشخص کردن مساجدی که دارای عایدات نیستند تعیین گردید و اسامی این مساجد در دفتری ثبت شد. تعداد این مساجد ۸۳۰ بود و ماهانه مبلغ ۹۲۲۰ درهم برای آنها وضع گردید.^{۳۹}

مقریزی می‌گوید:

این سنت تا پایان دولت فاطمی ادامه داشت و هر ساله ۳ روز به پایان ماه رمضان، گروهی قاضی و بازرس به مساجد و زیارتگاهها و اماکن مقدسه سرکشی می‌کردند و در صورت نیاز آن اماکن به حصیر و قندیل و بازسازی بنا، آن را در دفاتر مخصوص ثبت می‌کردند.^{۴۰}

از دوره‌ی فاطمی اسنادی هم دال بر موقوفات باقی مانده است. از جمله، قدیمی‌ترین سند مربوط به سال ۵۵۴ قمری، از وزیرالملک‌الصالح طلائع بن رزیک است که مقداری از اراضی خود را در حاشیه‌ی رود نیل برای سادات حسنی و حسینی مقیم قاهره وقف نمود و همچنین سهمی را برای سادات حسنی و حسینی مکه و مدینه اختصاص داد و در پایان این وقف‌نامه اظهار داشت که بقیه‌ی اموال او بعد از مرگش به سادات مکه و مدینه متعلق است، در صورتی‌که اعقاب او که دارای سهمی نیز هستند نسلشان منقرض گردد.^{۴۱}

۱۰. مصادره‌ی اموال

مصادره‌ی اموال بزرگان دولت فاطمی بعد از عزل آنان منبع درآمدی برای خلافت محسوب می‌شد، گرچه این رسم در اکثر دولت‌های اسلامی عمل می‌شد. نخستین کس از دولت فاطمی که اموالش مصادره شد، وزیر نام‌دار، یعقوب بن کلس بود که در ۳۷۳ قمری،

دوره‌ی عزیز فاطمی برکنار گردید و روانه‌ی زندان شد و پانصد هزار دینار از اموال او مصادره شد، اگر چه بعداً از زندان آزاد شد و منصب وزارت را دوباره در اختیار گرفت.^{۴۲} چون مصادره‌ی اموال زیاد گردید، حاکم، خلیفه‌ی فاطمی دیوانی را برای این امر تأسیس نمود و آن را «دیوان المفرد» نامید. در این دیوان نام افرادی که اموالشان مصادره می‌شد (به سبب عزل یا قتل) ثبت می‌گردید.^{۴۳}

بدرالجمالی، وزیر دولت فاطمیان، اموال فرزند خود را که در ۴۷۷ قمری مصادره نموده بود صرف بازسازی «جامع العطارین» نمود.^{۴۴} در دوران الامر، اموال بیش‌تر اشخاص مصادره گردید که شامل قاضیان، نویسندگان، فرماندهان نظامی، مسیحیان و یهودیان بود. اگرچه مدتی مصادره‌ی اموال متوقف شد.^{۴۵}

۱۱- اموال مردگان بی وارث

دارایی کسانی که بعد از مرگشان وارثی نداشتند و مشهور به «الموارث الحشریه» اند منبع درآمدی در این دولت بود. قبل از فاطمیان اموال هر کس که فوت می‌نمود و وارث نداشت به بیت‌المال منتقل می‌شد. در دوره‌ی فاطمیان نسبت به اموال بدون وارث به طریق مذهب اسماعیلیه حکم می‌شد و کسانی که «ذوی الارحام» داشتند اموالشان به دولت نمی‌رسید؛ اما بدرالجمالی در دوره‌ی وزارت خود برنامه‌ای را تنظیم نمود مبنی بر این‌که هر کس بمیرد طبق مذهبش با او عمل می‌شود؛ و از این طریق اموال موروثی مردگان بی‌وارث به دیوان «الموارث الحشریه» بازگشت.^{۴۶}

در سال ۵۱۶ قمری فرمانی صادر شد که زنان شیعه می‌توانند تمامی میراث شوهرانشان را ببرند و با زنان غیر شیعی بر اساس مذهب آنها رفتار شود.^{۴۷}

۱۲. مالیات

بخش مهمی از منبع درآمد فاطمیان مالیات بود، که به دو دسته‌ی فرعی و اصلی تقسیم می‌شد. مالیات‌های اصلی شامل فئ (آنچه از کفار و مشرکین بدون خونریزی گرفته شود که شامل خراج و جزیه و مالیات اهل ذمه و بازرگانان سرزمین‌های غیر اسلامی که به مکان‌های اسلامی وارد می‌شوند) و خمس (آنچه از معادن و غنایم و مستخرجات دریایی که از طریق غواصی به دست می‌آید) و زکات (که بر گوسفند، شتر و گاو، طلا و نقره و گندم، جو، کشمش و خرما تعلق می‌گیرد) می‌باشد و غیر از موارد یاد شده مالیات‌های فرعی بود که عبارت بود از عوارض گمرکی (مکوس) و مواردی که برای رفع نیاز بیت‌المال اخذ می‌شد.^{۴۸}

اولین فردی که در مصر به جز مالیات اصلی، مالیات فرعی را نیز وضع نمود احمدبن محمدبن مدبر، متصدی امر خراج در مصر (۲۵۰ق) بود. او مالیات مراعی (علوفه‌ی چهارپایان) و مصاید (آنچه از دریا به دست می‌آید) را مقرر کرد که در دوره‌ی طولونیان هر دو مورد (مراعی و مصاید) ملغی شد.^{۴۹}

فاطمیان مالیات ماهانه (الاموال‌الهلالیه) را که نوعی از عوارض گمرکی بود احیا نمودند و در عصر الحاکم او تمامی مالیات‌ها را لغو کرد و اراضی مربوط به سلطان را به اقطاع داد.^{۵۰} در طول دوران فاطمیان هشتاد نوع عوارض از مردم اخذ می‌شد که در طول سال بالغ بر یکصد هزار دینار بود، ولی با تسلط ایوبیان لغو گردید. مشهورترین این عوارض «مکس‌البهار» یا عوارض ادویه‌جات بود.^{۵۱} مقدسی می‌گوید: بر بعضی از جامه‌ها و پارچه‌ها در خرید و فروش مالیات بسته شده بود.^{۵۲} گرفتن مالیات بعضاً به صورت ضمان بود که ضامن متعهد می‌شد سالانه مبلغی را با توافق طرفین به عنوان مالیات به دولت پرداخت نماید و فاطمیان آن را رونق بخشیدند و تمامی اموال دولتی خود را از این طریق به ضمان دادند.^{۵۳}

نتیجه

یکی از عوامل بقای دولت‌ها، اقتصاد سالم است. فاطمیان که حدود سه قرن (۵۶۷-۲۹۷ق) به حیات خود ادامه دادند، از اقتصاد دامنه‌داری برخوردار بودند که در طول دوران، با سازمان‌دهی مجدد و اصلاحات دایمی اقتصادی بقای نسبتاً طولانی خویش را تضمین نمودند.

با توجه به این پیش‌فرض که اغلب دولت‌ها و حکومت‌ها سه مرحله‌ی اساسی را پشت سر گذاشته‌اند (مرحله‌ی ایجاد و تشکیل، دوام و تثبیت، و انقراض و فروپاشیدگی)، قهراً دولت فاطمیان در مرحله‌ی دوم که دوام و تثبیت است، موفق بود و این امر را تا حدود زیادی می‌توان مرهون اقتصاد سازمان‌یافته‌ی آنان ارزیابی کرد. اگر چه فاطمیان با انگیزه‌های دینی روی کار آمدند و تبلیغات گسترده‌ی آنان به جز مصر و شام، تقریباً شمال آفریقا و شرق جهان اسلام را در بر گرفته بود، ولی این نکته را نمی‌توان از نظر دور داشت که در امر تبلیغ به جز انگیزه‌های دینی و اعتقادی، داشتن پشتوانه‌ی اقتصادی یک ضرورت انکارناپذیر است و فاطمیان به این باور اساسی رسیده بودند؛ لذا آن‌ها در طول ۲۷۰ سال حکومت با بهره‌گیری از منابع درآمد سنتی و شرعی اسلام، هم‌چون خمس، زکات، جزیه، موقوفات و غیره دست به ابتکار عمل زدند و بعضی از منابع مالی و درآمدها، نظیر: احتکار، نجوا، رباع و... را به موارد فوق افزودند. اگر چه مشروعیت موارد اخیر بعضاً در خور تأمل است، هزینه‌های سنگین دربار و رقابت در کلیه‌ی امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و... با دولت عباسیان و امویان اندلس ضرورت این امر را قوت بخشید. در هر حال به نظر می‌رسد رویکرد فاطمیان به اقتصادی مبتنی بر کسب درآمد از منابع جدید، امری اجتناب‌ناپذیر بوده است.

پی نوشتها:

۱. مقریزی، الخطط، ج ۱، ص ۱۴۱.
۲. تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۳، ص ۱۲.
۳. فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۵۸.
۴. همان جا.
۵. راشد البراوی، حالة مصر الاقتصادية في عهد الفاطميين، ص ۶۳.
۶. قلفشندی، صبح الأعشى، ج ۳، ص ۲۹۵؛ مقریزی، الخطط، ص ۱۵۹، ۱۵۸؛ تغری بردی، همان، ج ۱، ص ۵۴.
۷. راشد البراوی، همان، ص ۶۳-۶۵.
۸. محمود ادريس، تاريخ الحضارة الاسلامية العصر الفاطمي، ص ۱۱۸.
۹. راشد البراوی، همان، ص ۶۷.
۱۰. همان، ص ۷۱.
۱۱. مقریزی، الخطط، ج ۱، ص ۸۳؛ مقریزی، الاتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، ج ۳، ص ۸۲.
۱۲. استانلی لین پل، تاریخ طبقات سلاطین اسلام، ص ۶۰؛ کلیفورد ادموند بوسورت، سلسله های اسلامی، ص ۸۴.
۱۳. مقریزی، الخطط، ج ۱، ص ۱۹۷ و ۴۳۲.
۱۴. همان، ص ۴۴۵؛ مقریزی، الاتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، ج ۳، ص ۹۲.
۱۵. ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۷۳.
۱۶. راشد البراوی، همان، ص ۱۲۱.
۱۷. قلفشندی، همان، ج ۳، ص ۲۹۵؛ مقریزی، الخطط، ج ۱، ص ۵۸؛ تغری بردی، همان، ج ۱، ص ۵۴ و نویری، نهاية الارب في فنون الادب، ج ۸، ص ۲۴۶-۲۴۷.
۱۸. مقریزی، الخطط، ج ۱، ص ۸۲.
۱۹. همان، ج ۲، ص ۵-۶؛ راشد البراوی، همان، ص ۵۳.
۲۰. همان، ج ۱، ص ۸۶؛ مقریزی، الاتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، ج ۳، ص ۸۱؛ راشد البراوی، همان، ص ۵۸-۵۹.
۲۱. مخزومی، المنهاج في احكام خراج مصر، ص ۵۸-۵۹؛ مقریزی، الخطط، ج ۱، ص ۲۷۱.

٢٢. قلقشندى، همان، ج ٣، ص ٤٥٨؛ مخزومى، همان، ص ٣٥.
٢٣. ماوردى، الاحكام السلطانية، ص ١٢٦؛ نوبرى، همان، ج ٨، ص ٢٣٩.
٢٤. مقرىزى، الخطط، ج ١، ص ١٠٧.
٢٥. ماوردى، همان، ص ٩٨-١٠١.
٢٦. مقرىزى، الخطط، ج ١، ص ٣٩١؛ ابن الطوير، نزهة المقلتين فى اخبار الدولتين، ص ١١٢.
٢٧. ابن الطوير، همان، ص ٩٢.
٢٨. ناصر خسرو، همان، ص ٧٧ و ٨٩.
٢٩. قلقشندى، همان، ج ١، ص ٤٤٩-٤٥٠.
٣٠. مقرىزى، الخطط، ج ٣، ص ١٠٥؛ مقرىزى، الاتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، ص ١٠٤-١٠٥.
٣١. مخزومى، همان، ص ٤٥-٤٩.
٣٢. مقرىزى، الخطط، ج ١، ص ١٠٩؛ قلقشندى، همان، ج ٣، ص ٤٥٩.
٣٣. راشد البراوى، همان، ص ٢٥٠ و ٢٦٨.
٣٤. مخزومى، همان، ص ٤٥-٤٦.
٣٥. ابن جبير، رحله، ص ١٣.
٣٦. مقرىزى، الخطط، ج ١، ص ٤٦٥؛ مقرىزى، الاتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، ج ٢، ص ٢٢٥.
٣٧. مقرىزى، الخطط، ج ٢، ص ٢٩٤.
٣٨. همان، ص ٢٩٥؛ مقرىزى، الاتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، ج ١، ص ١٤٨.
٣٩. همان، ص ٢٩٥ و ٤٠٩؛ مقرىزى، الاتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، ج ٢، ص ٩٦.
٤٠. همان، ج ٢، ص ٢٩٥.
٤١. قلقشندى، همان، ج ٣، ص ٤٨٢؛ مقرىزى، الخطط، ج ٢، ص ٢٩٤؛ ابن الطوير، همان، ص ١١٤-١١٥.
٤٢. نوبرى، همان، ج ٢٦، ص ٤٧.
٤٣. مقرىزى، الاتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، ج ٢، ص ٨١-٨٢؛ قلقشندى، همان، ج ٣، ص ٤٥٣.
٤٤. همان، ج ٢، ص ٣٢١.
٤٥. نوبرى، همان، ج ٢٦، ص ٨٦؛ مقرىزى، الاتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، ج ٣، ص ١٢٥.

٤٦. مقریزی، الاتعاض الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، ج ٣، ص ٧٢ و ٨٩.
٤٧. مقریزی، الاتعاض الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، ج ٣، ص ٩١؛ حسن ابراهيم حسن، تساريخ الدولة الفاطمية، ص ٣١٦-٣١٧.
٤٨. آدام متز، تمدن اسلامي، ص ٢١٠ و ١٩٤.
٤٩. بلوی، سيرة احمد بن طولون، ص ٨٤.
٥٠. مقریزی، الاتعاض الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، ج ٢، ص ٧٤ و ٩٢.
٥١. قلقشندی، همان، ج ٣، ص ٤٦٧؛ مقریزی، الخطط، ج ١، ص ١٠٤-١٠٥.
٥٢. مقدسی، احسن التقاسيم في معرفة الاقاليم، ص ٢١٣؛ ناصر خسرو، همان، ص ٧٧.
٥٣. قلقشندی، همان، ج ٣، ص ٤٦٦؛ راشد البراوی، همان، ص ٣٢٢-٣٢٣؛ مقریزی، الخطط، ج ٢، ص ٢٩٥.

منابع:

- ابن الطوير، ابو محمد المرتضى عبدالسلام، نزهة المقلتين في اخبار الدولتين (انتشارات الاسلاميه، ١٩٩٢م).
- ابن جبير، ابوالحسن محمد بن جبير الكتابي الاندلسي، رحله (بيروت، دار صادر، بی تا).
- _____، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والاثار (مصر، ١٣٩٤ق).
- البراوی، راشد، حالة مصر الاقتصادية في عهد الفاطميين (قاهره، بی تا).
- البلوی، سيرة احمد بن طولون (دمشق، ١٣٥٨).
- بوسورث، كليفورد ادmond، سلسله هاي اسلامي، ترجمه ي فريدون بدره اي (تهران، انتشارات مؤسسه ي مطالعات و تحقيقات فرهنگي، ١٣٧١).
- تغري بردي الاتابكي، جمال الدين ابى المحاسن، النجوم الزاهرة في ملوك مصر والقاهرة (قاهره، دارالكتب المصرية، ١٣٧٥).
- حسن، ابراهيم حسن، تاريخ الدولة الفاطمية في المغرب و مصر و سوريه و بلاد العرب (قاهره، ١٩٦٤م).
- دفتري، فرهاد، تاريخ و عقايد اسماعيليه، ترجمه ي دكتور فريدون بدره اي (تهران، انتشارات فرزانه، ١٣٧٥).
- قلقشندی، ابوالعباس احمد بن علي، صبح الأعشى في صناعة الانشاء، (قاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، بی تا).

- لین پل، استانلی، *تاریخ طبقات سلاطین اسلام*، ترجمه‌ی عباس اقبال آشتیانی (تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۳).
- الماوردی، القاضي ابی محمد بن الحسین، *الاحکام السلطانیة* (مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۶ق).
- منز، آدام تمدن اسلامی در قرن ۴ هجری، ترجمه‌ی علیرضا ذکاوتی قراگزلو (تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴).
- محمود ادیس، محمد، *تاریخ الحضارة الاسلامیة العصر الفاطمی* (قاهره، ۱۹۸۶م).
- المخزومی، المنهاج فی احکام خراج مصر (دارالکتب المصریة، ۱۳۸۹ق).
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه‌ی علینقی منزوی (تهران، انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱).
- المقریزی، تقی الدین ابی العباس احمد بن علی، *الاتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء*، المجلس الاعلی للثئون الاسلامیة (قاهره، ۱۳۸۷).
- ناصر خسرو، *سفرنامه*، تصحیح محمود دبیرسیاقی، (تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۳).
- نویری، شهاب الدین احمد بن عبد الوهاب، *نهاية الارب فی فنون الادب* (الهیئة المصریة العامة للکتاب مصر، ۱۹۷۶م).